

# ایده آل های انقلاب اکتبر برای همیشه درخشان خواهند بود!

«یک گام به پیش دو گام به پس... این موضوع هم در زندگی افراد ممکن است و هم در تاریخ ملل و هم در تکامل احزاب. جنایت بارترین بزلی ها می بود هر آئینه دقیقه ای در پیروزی حتمی و کامل سوسیال دموکراسی انقلابی (مارکسیستی)... تردید می شد». . لنین

مبارزه خود برای زندگی بهتر یافته و انقلاب اکتبر را نقطه عطفی در تاریخ بشریت ارزیابی کرده اند. اگر سوسیالیسم برپایه آثار علمی و تحقیقی مارکس و انکلس از یک اتوبی، یک آرزو و یک رویا به یک تئوری علمی بدل کردید، با انقلاب اکتبر به یک واقعیت عینی قدرتمند تحول پیدا کرد که علی رغم اشتباهات و کاستی ها، ادامه در ص ۳

۷۷ سال قبل، اولین انقلاب سوسیالیستی جهان در کشوری عظیم و عقب مانده به نام روسیه بوقوع پیوست و طلیمه دوران جدیدی گردید. تکانهای حادث از این انقلاب تمامی جهان را مورد تاثیر قرار داد و پس از سه ربع قرن هنوز هم هر رخداد عمده ای به نوعی از آن متأثر است. این حقیقتی است که میلیونها انسان در پنج قاره کیتی در آرمانهای صلح و عدالتجویانه آن، انعکاسی از



شماره ۴۴۱، دوره هشتم  
سال یازدهم، ۱ آذر ۱۳۷۳



سران مستبد جمهوری اسلامی خشمگین از اوچگیری اعتراض های مردمی علیه حکومت ظلم و ستم، همچنان از حربه دیرینه سرکوب، شکنجه، ترور و اعدام کمک می گیرند. روزنامه های مجیز گوی رژیم، ده ها نویسنده معترض را به تعزیر و نابودی تهدید می کنند، نیروهای امنیتی تظاهرات هزاران نفری دانشجویان را به خاک و خون می کشند، شبانه دانشجویان بی گناه و مبارز را سر به نیست می کنند و کز مکان وزارت اطلاعات هر کس را که کوچکترین اعتراضی کند، دستگیر و روانه شکنجه گاه ها می کنند. تمامی احزاب، سازمان ها و نیروهای سیاسی کشور، بجز نیروهای شرکت کننده در حاکمیت، در کنار میلیون ها ایرانی که از فشار دشواری های اقتصادی - اجتماعی جانشان به لبشان رسیده است، به اوضاع ناپسامان، اسفناک و فاجعه بار کنونی معترض اند و برای تغییر دادن این شرایط تلاش می کنند.

اوضاع کشور بسرعت در حال تغییر است و ضرورت یافتن راه حل های مشترک بیش از پیش از جانب همه کسانیکه به سرنوشت ایران

ادامه در ص ۲

## شکست بزرگ حزب «دموکرات» در انتخابات میان دوره ای آمریکا!

در روز ۸ نوامبر سال جاری، مردم آمریکا به پای صندوق های رأی رفتند و با آرای خود، نارضایتی شان را نسبت به سیاست ها و عملکردهای دولت آمریکا و نمایندگان منتخب خود اعلام داشتند. در این انتخابات میان دوره ای، که اغلب ناظران و تحلیل گران سیاسی آن را «انتخاب از روی خشم» نام داده اند، حزب «دموکرات» آمریکا با شکستی بزرگ و مفتضحانه روبرو شد، و پس از چهل سال، اکثریت خود را هم در مجلس نمایندگان و هم در سنای آمریکا از دست داد. از زمان جنگ های داخلی آمریکا تا کنون، برای اولین بار سخنگوی مجلس نمایندگان آمریکا، به واسطه نابوردن رأی کافی در انتخابات از ترکیب مجلس این کشور حذف شد! کاندیداهای دست راستی حزب «جمهوریخواه» همچنین مقام فرمانداری را در ۷ ایالت از ۸ ایالت مهم صنعتی و پرجمعیت این کشور - نیویورک، نگراس، کالیفرنیا، پنسیلوانیا، میشیگان، مینسوتا و اوهایو - تصاحب کردند. بدین ترتیب، جناح راست طبقه حاکمه آمریکا توانست در این انتخابات، سلطه خود را بر بخش

ادامه در ص ۸

## اعلامیه کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران

### کارگران ایرانی با تلاش های رژیم اسلامی برای کسب قانونیت برای سازمان های پوشالی "کارگری" خویش از طریق شرکت در ۱۳ - مین کنگره اتحادیه های جهانی کارگری به شدت مقابله می کنند!

همانطوریکه در شماره های گذشته "نامه مردم" نوشتیم، در پی تصمیم کمیته برگزار کننده ۱۳ - مین کنگره جهانی اتحادیه های کارگری مبنی بر دعوت هیئتی از سوی "خانه کارگر" جمهوری اسلامی به عنوان نماینده کارگران ایرانی، کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران اعتراض شدید خود را علیه این اقدام غیر اصولی و غیر دوستانه میزبانان کنگره اعلام داشت. افزون بر اعتراض کمیسیون ارتباطات پیرامون سیاست ها و عملکردهای اخیر رهبری فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، تعدادی از سازمان های دیگر و اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری از کشور های دیگر نیز اعتراض خود را رسماً اعلام کردند. فدراسیون اتحادیه های کارگری سودان در اعتراض به دعوت هیئتی از سوی دولت سودان ضمن اعلام مخالفت خود با این تصمیم اعلام کرد که از شرکت در این کنگره خودداری خواهد کرد. مرکز جهانی برای حقوق سندیکاهای کارگری نیز در اعتراض به این سیاست ها اعلام کرده است که در صورت ادامه این سیاست ها مسئله شرکت خود در ۱۳ - مین کنگره را مورد بازبینی قرار خواهد داد و در این کنگره شرکت نخواهد کرد. وضعیت اسفناک سازماندهی ۱۳-مین کنگره در حدی است که در آخرین لحظاتی که نشریه برای چاپ حاضر می شد، خبردار شدیم که دبیرکل کنفدراسیون عمومی سندیکاهای فرانسه (س.ژ.ت) نیز اعلام کرده است که بزودی به عضویت این اتحادیه در فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری خاتمه خواهد داد. با توجه به اهمیت موضوع "نامه مردم" بخش های اساسی نامه اعتراضی کمیسیون ارتباطات سندیکاهای ایران را که برای دبیرخانه فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری جهان ارسال کرده است، به اطلاع خوانندگان می رساند.

ادامه در ص ۲

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

## اعلامیه کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران

" ما در کمال ناپاوری آگاهی یافتیم که کمیته سازماندهی ۱۲-مین کنفرانس اتحادیه های کارگری جهانی نامه دعوتی را برای "خانه کارگر" جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در کنفرانس ارسال داشته است. کمیته هماهنگ کننده کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران این اقدام کمیته برگزار کننده را عملی خلاف تمامی قرارها، رسوم و پروتکل رایج در فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری می داند. دعوت هیئت ایرانی بدون اطلاع قبلی و مشورت کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران، که یکی از اعضای پر سابقه فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و عضو شورای مرکزی آن است، انجام گرفته است و از اینرو در تضاد آشکار با قوانین حاکم بر فدراسیون جهانی در دفاع از حقوق کارگران و احترام به استقلال اعضای فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری قرار دارد. فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری از مدتها قبل از نگرانی شدید ما پیرامون ماهیت و فعالیت های "خانه کارگر" جمهوری اسلامی آگاه بوده است. ما همچنان بر مواضع خود پیرامون "خانه کارگر" و این حقیقت که این سازمان بخش جدایی ناپذیری از سیاست گذاری های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی است، سیاست هایی که بدرستی توسط اکثریت اتحادیه ها و سازمان های کارگری جهان محکوم گردیده است، پای می فشاریم. آیا کمیته تدارک ۱۲-مین کنفرانس و یا فدراسیون جهانی می توانند کوچکترین سندی در نشان دادن مخالفت "خانه کارگر" با سیاست های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی، و از جمله دستگیری، شکنجه و اعدام صدها کارگر معترض به سیاست های رژیم، ارائه دهند؟

... دعوت فدراسیون جهانی از نمایندگان رژیم، نه تنها از سوی رژیم ایران به مفهوم تغییر سیاست های فدراسیون جهانی پیرامون سرکوب خشن حقوق کارگران و دلجویی از حکومت های استبدادی تعبیر خواهد شد، بلکه همه کسانی که در دفاع از حقوق کارگران مبارزه می کنند، نیز به چنین نتیجه گیری خواهند رسید...

موضوع دیگری که برای ما از اهمیت ویژه ای برخوردار است، مسئله امنیت هیئت غیر دولتی ایرانی در صورت شرکت در این کنفرانس می باشد. از آنجائیکه "خانه کارگر" در ارتباط تنگاتنگ با ارکان های امنیتی رژیم قرار دارد، اعزام هر هیئتی بی شک برای خانواده و نزدیکان این هیئت در ایران مشکلات جدی پیکرد، دستگیری و آزار و اذیت را بدنبال خواهد داشت...

ما بار دیگر اعلام می کنیم که امیدواریم فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری با باز پس گرفتن دعوت از هیئت رژیم جمهوری اسلامی شرایطی را فراهم کند که کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران بتواند در این کنفرانس شرکت نماید... ما بدین ترتیب رهبری فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و جنبش جهانی کارگری را از تصمیم خود مطلع می کنیم و اعلام می داریم که این موضع تنها موضع رسمی و قانونی کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران است و هر موضع دیگری در تناقض با این اعلامیه رسمی کمیته هماهنگی را می بایست با شک بسیار علیه منافع کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران ارزیابی کرد..."

کمیته هماهنگ کننده کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران  
۱۵ نوامبر ۱۹۹۴

یافته توسط سازمان های سیاسی ایران را با اتکاء به حربه سرکوب و تشدید اختناق سد نماید. تجربه تاریخی نشان می دهد که تنها با سازمان دادن و جلب وسیع ترین اقشار مردم به عرصه مبارزه است که می توان نقشه های ارتجاع را با شکست روبرو کرد و راه را برای استقرار آزادی در کشور هموار ساخت. ما در چند ماه گذشته با ارسال نامه های جداگانه ایی به سازمان های آزادیخواه کشور ضرورت آغاز مذاکرات پیرامون شکل گیری عینی ائتلاف وسیع نیروها را یادآور شدیم. اینک، بار دیگر آمادگی خود را برای شروع این مذاکرات و تلاش در راه رسیدن به یک راه حل واحد و مشترک اعلام می کنیم.

ما در "منشور آزادی" ضمن هشدار به همه نیروهای آزادیخواه کشور یادآور شدیم: " تجربه موفق انقلاب بهمن ۵۷ نشان داد که می توان با مبارزه مشترک و با "نه" گفتن یکپارچه به استبداد، بزرگترین سدها را از سر راه برداشت. تاخیر در سازماندهی چنین مبارزه ای تنها به معنی ادامه ظلم، بیعدالتی، بی قانونی و استبداد است.

که از پایگاه واقعی اجتماعی در درون کشور برخوردارند.

ائتلاف واقعی و ثمر بخش تنها هنگامی ممکن است که نیروهای شرکت کننده در آن بتوانند با اتکا به پایگاه اجتماعی خود بخش هایی از جامعه را به حرکت درآورند. امروز به کمان ما عمده ترین این نیروها را می توان به نیروهای مذهبی جدا شده از حاکمیت، نیروهای ملی گرا و نیروهای چپ، تقسیم نمود. این نیروها می توانند با توجه به اوضاع، یک سری موازین حداقل را با توافق مشترک به مثابه اصول اساسی و تعیین کننده مبارزه در شرایط کنونی اعلام کرده و برای تحقق آن مشترکاً بکوشند. اصولی مانند: آزادی کلیه زندانیان سیاسی، آزادی احزاب و سازمان های سیاسی و صنفی انحلال ارکان های سرکوبگر و لغو اصل "ولایت فقیه" از جمله مسایل کلیدی هستند که می توانند راه را برای رسیدن به زمینه های گسترده تر همکاری باز کنند. آنچه که از هم اکنون می توان پیش بینی کرد، آن است که رژیم جمهوری اسلامی با تمامی توان خود خواهد کوشید تا جلوی شکل گیری هرگونه اعتراض سرتاسری، منسجم و سازمان

## ائتلاف برای ...

علاقمند هستند، احساس می گردد. حزب توده ایران مدتها است که با توجه به بحران فزاینده و ویرانگر کشور از ضرورت ایجاد ائتلاف وسیع نیروها سخن می گوید. ما در نشست کمیته مرکزی حزبمان در آذر ماه سال گذشته پیشنهادات بسیار مشخصی را پیرامون پایه های عملی - سیاسی این ائتلاف اعلام و در عین حال آمادگی خود را برای مذاکره پیرامون هر پیشنهاد دیگری نیز اعلام کردیم. در سند "منشور آزادی" به روشنی اصول و مبانی فکری خود را پیرامون پایه های سیاسی - نظری این ائتلاف چنین بیان کردیم: " ملت ایران در چند دهه گذشته به اندازه کافی بیعدالتی، ظلم، خونریزی و ستم تحمل کرده است و امروز حق دارد تا آینده ای آزاد، با امنیت و عادلانه را از نیروهای سیاسی و سیاستمداران کشور طلب کند". در این سند اعلام کردیم که ما خواهان استقرار بی قید و شرط آزادی های فردی، سیاسی اجتماعی و تامین حاکمیت ملی کشور هستیم. اصول اعلام شده در "منشور آزادی" عبارتند از:

- " تامین حق بلا منازع شهروندان در تعیین و انتخاب نوع و ترکیب حکومت مرکزی از طریق مراجعه مستقیم به آرای عمومی؛  
- تامین بدون قید و شرط آزادی اندیشه، مذهب، بیان و تشکل؛

- تامین بدون قید و شرط آزادی مطبوعات با هر دیدگاه فکری، فلسفی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛

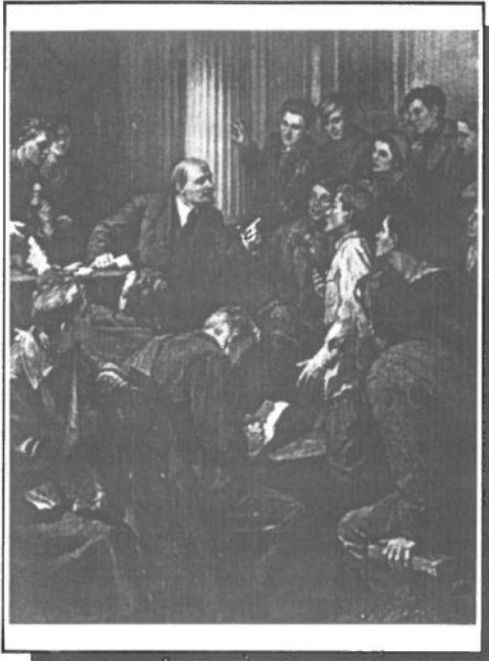
- تامین بدون قید و شرط آزادی احزاب، سازمان ها و گروه های سیاسی و صنفی با هر دیدگاه فکری، فلسفی، سیاسی و یا مذهبی؛  
- تامین برابری حقوق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زنان و مردان و از بین بردن کلیه قوانین محدود کننده حقوق زنان؛

- تامین حقوق ملی خلق های ایران در چارچوب یک ایران آزاد، مستقل و دموکراتیک؛  
- تامین بدون قید و شرط آزادی اقلیت های مذهبی از جمله زرتشتیان، ارامنه، کلیمیان، آسوریان، بهائیان و غیره؛  
- انحلال کلیه ارکان های تفتیش عقاید، سرکوب و ترور در جامعه؛

- جدایی کامل دین از حکومت؛  
- تامین حاکمیت ملی ایران بر پایه استقرار روابط دوستانه، برابر و عادلانه با تمامی کشورهای منطقه و جهان، می باشد

امروز این اصول از سوی اکثریت نیروهای آزادیخواه و تحول طلب کشور ما پذیرفته شده است و از این رو برداشتن گام های بعدی سهل تر است. مدت هاست که بر پایه تحلیل و شناخت عملکرد افراد و شخصیت ها و نیروهای سیاسی به این نتیجه رسیده ایم که صحنه اصلی نبرد با رژیم استبدادی در درون کشور است و از اینرو هر ائتلاف واقعی و با محتوای جدی سیاسی می بایست پایه های عمیق اجتماعی در درون کشور داشته باشد. روی سخن ما با نیروهایی است

# ایده آل های انقلاب اکتبر برای همیشه درخشان خواهند بود!



برای مبارزات طبقه کارگر جهانی و جنبش های رهاییبخش ملی تاکید داشت و معتقد بود اتحاد این سه نیرو توانایی حل تضادها را به نفع طبقه کارگر و نیروهای جنبش آزادیبخش ملی دارا می باشد.

این که به واسطه انقلاب اکتبر و جنبش سوسیالیستی، کشورهای سرمایه داری مجبور به قبول رفرف های اقتصادی- اجتماعی گردیدند و این حقیقت که در چند ساله اخیر در سایه شکست ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی، این اصلاحات سریعا معکوس شده اند، همه خود نشانه هایی روشن از تاثیر مستقیم انقلاب اکتبر و پیشرفت ساختمان سوسیالیسم در بخشی از جهان بر مبارزات مردم در دیگر گوشه های کیتی می باشد.

نتیجه تحقیقات دانشمندان بیطرف جامعه شناس به وضوح آشکار می سازد که با وقوع انقلاب اکتبر سیر قانونمند و بازگشت ناپذیر تاریخ به سوی سوسیالیسم آغاز گردیده و علی رغم پستی و بلندی ها و توقف ها، بازگشتی نخواهد داشت.

\*\*\*

بی شک کمونیست ها و ترقیخواهان جهان در رابطه با تئوری و عملکرد انقلابی در این واپسین سال های قرن بیستم مواجه با سؤال های فوق العاده مهم و پیچیده ای می باشند. واقعیت نشان داده است که در مقایسه با ارزیابی هایی که در چند دهه قبل در جنبش کمونیستی حاکم بود، پروسه ساختمان یک جامعه نوین مشکل تر، پیچیده تر و طولانی تر از آن چیز است که پیش بینی می شد. کاپیتالیسم ظرفیت زیادی را در وقف دادن خود با شرایط و تغییرات به نمایش گذاشته است. همه این ها نیاز به یک تجدید ارزیابی مسیر طی شده و مطالعه درس هایی را که باید گرفته شود مطرح می کنند.

گرچه بعضا ساده اندیشی هایی در رابطه با ساختمان سوسیالیسم و در شرایط کنونی بی بازگشت بودن پروسه تحولات در مقیاس تاریخی وجود دارد، ولی باید تاریخ تحولات اجتماعی جهان را در اثبات بفرنجی روند تحول فرماسیون های اجتماعی- اقتصادی به شهادت گرفت. در تاریخ کم شمار نبوده اند آن هایی که اعاده حاکمیت فئودالی توسط خاندان «استوارت» در انگلیس را در نیمه دوم قرن ۱۷ میلادی و به تخت و تاج رسیدن بوریون ها در اوایل قرن نوزدهم در فرانسه را پیروزی فئودالیسم و شکست نهایی تحولات سرمایه داری «بالنده» در جهان می دانستند. ولی همانگونه که حتی بسیاری از ایدئولوگ های ضد مارکسیستی هم اذعان دارند، این تجدید حاکمیت های سیستم میرنده فئودالی فقط بر سطح شیوه تولید سرمایه داری، که سریعا در حال رشد بود و بطور بی رحمانه ای جانستین روابط تولیدی نظم فئودالی کهنه می گردید، خراشی سطحی وارد می نمود. در رابطه با رخدادهای تاسف بار پنج ساله اخیر در کشورهای سوسیالیستی سابق نیز می توان با جرات اظهار داشت که در مقیاس تاریخی و

بطور تعیین کننده ای توسعه جهان را مورد تاثیر قرار داد.

دشمنان طبقه کارگر با بهره گیری از شکست سوسیالیسم در اتحاد شوروی سابق و دیگر کشورهای اروپایی در صددند که تاریخ را در جهت منافع طبقاتی شان مورد تجدید نظر قرار دهند. ولی علی رغم ادعای آن ها، قرن بیستم تائید درخشانی از تزه های اساسی مارکس در مورد تحولات اجتماعی، در مورد امکان پیشرفت برپایه شرایط موجود اقتصادی و اجتماعی و از طریق عملکرد آگاهانه توده های ستمدیده و استثمار شده- به سوی مراحل عالی تر آزادی اجتماعی و ملی، به سوی جامعه ای بدون استثمار کنندگان و استثمارشوندگان بوده است که در آن «آزادی هر کسی یک ضرورت برای آزادی همه می باشد». از حاصل مبارزات سوسیال دموکراسی انقلابی روسیه در شرایط ویژه آن کشور و نهایتا پیروزی انقلاب اکتبر، لنین بطور هوشمندانه ای از این تزه های مارکس دفاع نمود و بطور سازنده ای آن ها را توسعه داد (مخصوصا با تحلیل خود در مورد امپریالیسم). انقلاب اکتبر نایشگر صحت نظریات مارکس و انگلس در مورد قوانین پایه ای تحولات اجتماعی و بخصوص گذرا بودن ذاتی سرمایه داری به عنوان یک شکل بندی اجتماعی- اقتصادی بود.

با انقلاب اکتبر، جهان بطور بازگشت ناپذیری به عصر جدیدی سوق داده شد. اهمیت انقلاب اکتبر درست به همین دلیل است که پس از وقوع آن، تحولات جهان کیفیتا ابعاد نوینی پیدا کرد.

انقلاب اولین شکاف عمده را در سیستم سرمایه داری پدید آورد و این خود منجر به وقوع شماری دیگر از انقلابات در اروپا گردید.

انقلاب پرولتری در فنلاند در ۱۹۱۸، قیام سربازان بلاادیا در بلغارستان در سپتامبر ۱۹۱۸، انقلاب بورژوا دموکراتیک در قلمرو اتریش- مجارستان در نوامبر ۱۹۱۸، انقلاب بورژوا دموکراتیک در آلمان در نوامبر ۱۹۱۸، جنبش انقلابی که منجر به تشکیل چکسلواکی در ۱۹۱۸ گردید، جنبش انقلابی در لهستان که منجر به پیدایش شوراها در این کشور در سال ۱۹۱۸ گردید، جمهوری شورایی بلغارستان در ۱۹۱۹، جمهوری شورایی باورایا در ۱۹۱۹، جمهوری شورایی اسلواک، اعتصابات انقلابی- توده ای در فرانسه، انگلیس و ایالات متحده و قیام کارگران در آلمان و بلغارستان در ۱۹۲۳ همه شواهدی بر تاثیر شگرف انقلاب اکتبر بر اوضاع جهان است. در مورد جنبش های رهاییبخش ملی نیز، شعار لنین در حمایت از خلق هایی که برای رهایی ملی می زرمند عملی گردید. انقلاب اکتبر تاثیر شگرفی بر ظهور چنین جنبش هایی در مستعمرات داشت و سیستم استعماری را به شدت لرزاند. جنبش ۴ ماه مه در چین در سال ۱۹۱۹، قیام های ضد ژاپنی در کره در ۱۹۱۹، انقلاب توده ای مغولستان در ۱۹۲۱، جنبش مبارزه انقلابی مردم چین در سال های ۲۷-۱۹۲۴، جنبش های انقلابی توده ای ملی در هند، اندونزی، ژاپن، مصر، ترکیه، سوریه، افغانستان و آفریقای جنوبی از این جمله می باشند. لنین خود بر اهمیت جذابیت انقلاب اکتبر

در رابطه با تعریفی که مارکس از تحول دیالکتیکی فرماسیون ها ارائه داشته است جز خراش هایی بر سطح روند مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم نبوده و قادر نخواهند بود که واقعیت درونی سیستم را تغییر دهند.

تاریخ جامعه بشری شاهی مکرر بر این امر بوده است که انقلابات در جهت حاکم نمودن نظام اجتماعی برتر که دربردارنده راه حل اساسی برای تضاد بنیانی فرماسیون در حال اضمحلال می باشد، تا حاکمیت فرماسیون عالی تر ادامه خواهند یافت.

قوانین اساسی تحول اجتماعی را نمی توان با عتاب و نهیب زدن و صدور فرامین تزارگونه متوقف کرد. به تائید تاریخ استقرار مجدد خاندان های سلطنتی استوارت و بوریون ها در انگلیس و فرانسه از نظر سیر تحول سرمایه داری در اروپا عقب نشینی محسوب می گردد ولی علی رغم مشکلاتی که در سر راه پیدایش نظم نوین ایجاد نمودند، در مقیاس تاریخی جز سسکسه هایی زودگذر و درمان پذیر در نظر گرفته نمی شوند. به دیگر بیان، گرچه می توان دینامیسم ترقی را برای لحظاتی عقیم گذارد و جلوی نضج آن را گرفت، ولی امکان عقب نکهداشتن همیشگی و ابدی آن در تقابل با درک مارکسیستی از چگونگی رشد و غلبه عنصر نو می باشد.

آیا طرفداران وضعیت موجود و فاتحان مغرور جنگ سرد بر این باورند که سقوط سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشور های اروپای شرقی یک خصوصیت همیشگی تاریخ خواهد بود؟ عرصه تاریخ نمونه های فراوان و آموزنده ای از ظهور دلک ها و لودکان و تراژدی های مسخره را شاهد است. ولی این جمع نامتجانس ناپاواران به حقانیت تاریخی سوسیالیسم آیا جدا فکر می کنند که موج تاریخ را می توان به عقب بازگرداند؟ آیا نسل جوانی که آموزش و پرورش رایگان، اشتغال کامل، مسکن ادامه در ص ۶

## تیراندازی ماموران انتظامی به سوی تظاهرکنندگان "قانونی" شد

خبرگزاری جمهوری اسلامی روز سه شنبه دهم آبان گزارش داد به استناد قانون جدید مصوب مجلس شورای اسلامی استفاده از اسلحه گرم برای "برقراری نظم و قانون در جریان تظاهرات مسلحانه و غیرقانونی، در زمان ناآرامی و در مواجهه با آشوب و شورش های مسلحانه"، توسط ماموران انتظامی و "ماموران مسلح وزارت اطلاعات" "قانونی" شناخته شد.

به موجب این قانون، در صورتیکه تیراندازی ماموران انتظامی به قتل یا جرح کسی منجر شود، ماموران مسلح رژیم از هرگونه تعقیب جزایی و حقوقی مصون می باشند و پیش بینی شده است در صورتیکه اشخاص بیگناه هدف کلوله ماموران انتظامی قرار گیرند، "به خانواده های آن ها خسارت" پرداخت می شود.

خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی که از قبرس در این باره مخابره کرد، نوشت با عمیق تر شدن بحران اقتصادی در ایران، دولت جمهوری اسلامی با به تصویب رساندن این قانون تلاش می کند، از بروز تظاهرات و شورش جلوگیری کند.

## گروه های ترور جمهوری اسلامی در داخل کشور فعال شده اند

بنابر اخبار رسیده از داخل کشور، همراه با اوجگیری جنبش اعتراضی توده های مردم، رژیم "ولایت فقیه" با توسل به شیوه های فاشیستی سعی در ارباب مردم جان به لب رسیده میهن مان را دارد. بنابراین اخبار، صبح روز دوشنبه شانزدهم آبان ماه، اجساد دوتن از دانشجویان دانشگاه کاشان، به اسامی مجید کریمی، دانشجوی رشته فیزیک، و نظربهارلو، دانشجوی رشته شیمی، در خوابگاه دانشجویی دانشگاه مذکور کشف شد.

کلوی مجید کریمی به وسیله چاقو بریده شده و بر روی بدن نظربهارلو اثر ضربات مکرر چاقو دیده شده است. دو دانشجوی نامبرده از فعالین تظاهرات اخیر دانشجویان دانشگاه کاشان بوده اند.

لازم به توضیح است که بدنبال تظاهرات گسترده دانشجویان دانشگاه های مختلف کشور، به ویژه تظاهرات چندین هزار نفره دانشجویان دانشگاه های تهران که به ابتکار "دفتر تحکیم وحدت" در محوطه دانشگاه تهران



حاکم به پادگان جمشیدیه وارد شده و در حال بازجویی از نظامیان این پادگان به منظور یافتن عاملین اعتراض خروشنده و آرمانخواهانه فرزندان قهرمان ملت ایران در نیروهای مسلح بوده اند."

## "الشرق الاوسط": ۹ نفر از روحانیون طرفدار آیت الله منتظری دستگیر شدند

روزنامه عربی زبان "الشرق الاوسط"، چاپ لندن، در شماره روز چهارشنبه ۱۱ آبان خود در گزارشی از تهران نوشت ۹ نفر روحانی طرفدار آیت الله حسینعلی منتظری در تعدادی از شهرهای ایران دستگیر شده اند.

"الشرق الاوسط" نوشت روحانیون طرفدار آیت الله منتظری روز ۷ آبان ماه دستگیر شدند، اما منابع مخالف دستگیری آن ها را روز ۱۰ آبان ماه تایید کردند.

دستگیر شدگان متهم هستند که از طریق توزیع نسخه هایی از "نامه سرکشاده" اخیر آیت الله منتظری و انتقاد از دولت موجب "تحریک" مردم شده اند.

## نماینده پارلمان کویت درباره امکان برخورد نظامی آمریکا و ایران هشدار داد

بنابه گزارش خبرگزاری ها از کویت، عبدالله النفیسی، یک ملی کرای عرب که مشاور کمیسیون سیاست خارجی پارلمان کویت و استاد علوم سیاسی از دانشگاه کویت است، طی یک سخنرانی که متن آن در روزنامه "الوطن" به چاپ رسید، گفت آمریکا مایل است صدام حسین رئیس جمهوری عراق را در مقام خود حفظ کند تا بتواند به کشورهای عربی خلیج فارس اسلحه و مهمات پیشرفته بفروشد.

وی گفت آمریکا و متحدان آن طوری برنامه ریزی کرده اند که اوضاع سرانجام به "برخورد نظامی" میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی خواهد انجامید. این نماینده پارلمان کویت افزود که تعداد افراد نیروهای آمریکایی و تجهیزات آن ها بیش از آن است که برای واداشتن صدام حسین به عقب نشینی ضرورت داشت.

وی هشدار داد که "برخورد نظامی" آمریکا با جمهوری اسلامی از جنگ دوم خلیج فارس میان نیروهای آمریکا و متحدان آن و ارتش عراق بسیار شدیدتر خواهد بود.

عبدالله النفیسی گفت: "به سود ما کویتی هاست که برخورد آمریکا با ایران را رد کنیم".

در اعتراض به روند خصوصی کردن مراکز آموزش عالی کشور انجام شد، مجلس شورای اسلامی با تایید شورای نگهبان، طی یک عقب نشینی مصوبه خود را در زمینه دریافت شهریه دروس مردودی از دانشجویان پس گرفت.

یک هفته قبل از قتل فجیع مجید کریمی و نظربهارلو، دانشگاه کاشان نیز شاهد تظاهرات گسترده دانشجویان این دانشگاه در اعتراض به مصوبه مجلس بود.

همچنین بنابر گزارشات رسیده از ایران، در روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم آبان ماه، سه طلافروشی در سه محله مختلف تهران مورد هجوم "سارقین" قرار گرفت که طی این حملات، دو صاحب طلافروشی و خواهرزاده طلافروش سوم به طرز وحشیانه ای به قتل رسیدند.

مردم تهران این حوادث تکان دهنده را که در سه روز پی در پی و به شکلی مشابه انجام گرفت، به سبب اعتصاب اخیر صنف طلافروشی در تهران می دانند.

## فریاد "زنده باد آزادی، پاینده ایران" در پادگان جمشیدیه تهران

بنابر اطلاعاتی "سازمان بیرون مرزی حزب ملت ایران" صبح دوشنبه، بیست و سوم آبان ماه در ساعت شش و سی دقیقه بامداد، "در جریان اجرای آیین روزانه "صبحگاه" و "احترام به پرچم" در پادگان جمشیدیه تهران واقع در شمال میدان توحید، بیش از پنج هزار افسر، درجه دار و سرباز حاضر در این پادگان، بنابه فرمان داده شده از سوی بلندگوی پادگان یک صدا فریاد کشیدند:

زنده باد آزادی پاینده ایران

گزارش می رسد که این رویداد سی ثانیه ای، چون زمین لرزه و دهان به دهان در همه پادگان ها و مراکزهای نظامی تهران در حال بازگو شدن است و در ساعت ظهر دوشنبه، گماشتگان نظام امنیتی

است که پس از پایان زمان قرارداد، کار نیز خاتمه خواهد یافت. حداقل مالیات برای سال اول کار ۱۵٪ و برای سال دوم ۱۰٪ در نظر گرفته شده است. این برنامه مالی بر دوش زحمتکشان و کارمندان سنگینی می کند، در حالیکه طرح «خصوصی کردن» بخش های دولتی اقتصاد با مناسب ترین شرایط برای سرمایه گذاران بخش خصوصی اجرا می شود. و بهره های احتکاری اریستوکراسی مالی نه تنها باقی می ماند بلکه بنام «حمایت از سرمایه گذاری» مورد تعرض هم قرار نمی گیرد.

میلیون ها ایتالیایی که به دلیل فساد جنجال برانگیز احزاب حاکم قدیم بخصوص «دموکرات مسیحی ها»، «جمهوری خواهان» و «سوسیالیست ها» ظاهرا به برلوسکنی «پاک» امیدوار شده بودند، اندکی پس از گذشت ۶ ماه بطور آشکار در جنبش اعتراضی علیه این چهره به اصطلاح پاک آن روز و سیاستش برخاستند. در این تظاهرات کسترده شاغلین اداره پاکسازی شهر تراکت هایی با شعارهایی از این قبیل: «ما کارگران مصمم هستیم حکومت را پاکسازی کنیم... ما حکومت را از لوٹ صاحبان سرمایه پاک می کنیم»، باخود حمل می کردند. بنظر می رسد که افکار عمومی در ایتالیا از «موج تائید» برلوسکنی تا تشکل جنبش اپوزیسیون سیاسی و اجتماعی علیه وی تغییر کرده است. نیروهای سندیکایی و سیاسی چپ بعد از شکست در انتخابات ماه مارس دوباره تجدید سازمان کرده و در این بین نیروی تازه ای برای جنبش مقاومت و اعتراض خود بدست آورده اند. اعتصاب عمومی ۱۴ اکتبر یک اقدام مشترک سه سندیکای بزرگ ایتالیایی CGIL، CISL، UIL، بود.

بدنبال این پیروزی، وزیر کار حکومت برلوسکنی، کلمته ماستلا، مجبور شد اعلام کند که دولت حاضر است «تغییراتی» در «برنامه مالی» بدهد و بحث ها را با سندیکاها مجدداً برقرار کند. فاستوبریتونی، دبیرکل حزب کمونیست جدیدالتاسیس، آغاز این برخورد با جریان حکومت را «برای آینده خلق ایتالیا، برای مبارزه مجدد بخاطر شرایط کار و اشتغال، تعیین کننده» دانست.

## روسیه

مراسم بزرگداشت ۷۷ - مین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر در شهر های مختلف روسیه، اوکراین و سایر جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی سابق برگزار گردید. در مسکو بیش از ۱۵۰,۰۰۰ نفر در حالیکه پرچم اتحاد شوروی و تصاویر لنین را حمل می کردند در خیابان های مرکزی شهر راهپیمایی کردند. آنها شعار می دادند «طرز یاد تخت و تاج ریاست جمهوری» و «یلتسین یک خوک است». مقامات شهرداری مسکو از ورود راهپیمایان به میدان سرخ جلوگیری کردند. بوریس یلتسین استفاده از میدان سرخ را در اختیار یک گروه دلقک از غرب قرار داده است.

در کیف، پایتخت اوکراین ناسیونالیست های افراطی مسلح به چماق و چوبدستی های پلند به راهپیمایانی که در مراسم یادبود انقلاب اکتبر شرکت داشتند، حمله ور شدند و درگیری های خشونت باری دامن زدند. پلیس مسلح به باتون به کردهایی حمله کرد و ۱۰ نفر دستگیر و تعدادی هم زخمی (از هر دو طرف) شدند. درگیری اصلی در نزدیکی مجسمه لنین بود که حدود ۸۰۰۰ شرکت کننده کمونیست قصد گذاشتن تاج گل و ادای احترام به آن را داشتند. بدلیل حملات وحشیانه دستجات ناسیونالیست که پرچم های آبی و زرد اوکرایین را حمل می کردند، برنامه سخنرانی و سرود خوانی در پای مجسمه انجام نگردید.



مثبت، وی ناچار خواهد شد صرفه جویی بیشتری در رابطه با مسایل اجتماعی قشر کم درآمد جامعه به عمل آورد.

هنگام برگزاری رفراندوم موافقین عضویت سوئد در اتحادیه اروپا از امکانات عظیم مالی و به همراه آن از پشتیبانی وسیع رسانه های گروهی برخوردار بودند.

## ایتالیا

در ۲۸ ماه مارس سال جاری دست راستی ها و نتوفاشیست های ایتالیا پیروزی خود را در انتخابات جشن گرفتند. در این انتخابات امپراطور شبکه های تلویزیونی برلوسکنی و حزب او «فورسا ایتالیا» با کمک حزب «لیکا» و نتوفاشیست های «MSI» به قدرت رسیدند. از آن تاریخ تا کنون کارگران، زحمتکشان و کارمندان به طریقی مختلف علیه فساد این حکومت اعتراض کرده اند.

به دنبال این اعتراضات در روز ۱۴ اکتبر تظاهرات وسیعی در شهرهای مختلف ایتالیا برگزار شد که کارگران، زحمتکشان و کارمندان بخش های مختلف صنعت، خدمات و غیره در آن شرکت داشتند. این تظاهرات به گفته شرکت کنندگان در بیست سال گذشته بی نظیر بوده است.

در این تظاهرات عظیم سه میلیون نفر از مردم ایتالیا دست از کار کشیدند تا در مراکز شهرهای مختلف (رم، فلورانس، بلونی، ناپل و پالرمو) اجتماع کنند.

در میدان سانزا کروس شهر فلورانس ۳۰۰,۰۰۰ نفر شرکت کننده به سخنان دبیر کل اتحادیه سندیکای (CGIL) گوش فرادادند. در رم و مایلند و تورین ۲۰۰,۰۰۰ نفر شرکت داشتند، که در تورین بیش از هفتاد درصد از کارکنان «فیات» به فراخوان تظاهرات پاسخ مثبت دادند. تعداد شرکت کنندگان در بلونیا ۱۸۰,۰۰۰ نفر، در ناپل و پالرمو ۱۵۰,۰۰۰ نفر و در باری ۵۰,۰۰۰ نفر بود. در مناطق نامبرده اکثر کارخانه ها، بانک ها، همه مدارس و ادارات در حومه مرکز شهر تعطیل شده بود.

در تراکت ها و پلاکاردهای مختلف که بوسیله شرکت کنندگان حمل می شد به کاهش دستمزدها، حقوق بازنشستگی و بطور کلی تضعیف شدید رفاه اجتماعی شدیداً اعتراض شده بود.

براساس «برنامه مالی» برلوسکنی در سال ۱۹۹۵ که به عنوان کاهش کسر بودجه کشور اعلام شده است به افراد بازنشسته با داشتن چهل سال سابقه کار فقط ۴۵٪ از معدل حقوق پرداخت می شود. همچنین حد سن بازنشستگی برای دریافت حقوق مذکور باید بالا رود. برای جوانان عموماً کار موقت برای مدت زمان محدود در نظر گرفته شده

## افزایش تعداد فقیران در آمریکا

در سال ۱۹۹۲ نیز همانند سه سال گذشته به آمار کسانی که در آمریکا زیر خط فقر قرار دارند، افزوده شد. طبق آمار سرشماری در سال ۱۹۸۹ نزدیک به ۲۲/۲ میلیون نفر (۱۲/۱ درصد جمعیت) رسماً به عنوان «فقیر» شناخته شده اند. در سال ۱۹۹۲ این رقم به ۳۹/۳ میلیون نفر (۱۵/۱ درصد جمعیت) افزایش یافته است. طبق این آمار ۱۲/۴ درصد از این افراد را سفید پوستان، ۳۰/۶ درصد را افراد اسپانیایی زبان و ۲۲/۱ درصد را سیاه پوستان تشکیل می دهند.

## ژاپن

سازمان «سیا» ده ها سال به حزب لیبرال-دموکرات ژاپن کمک مالی می کرد. نشریه «نیویورک تایمز»، در تاریخ ۱۰ اکتبر برپایه اظهارات کارمندان بازنشسته اداره جاسوسی و سیاستمداران قدیمی ایالات متحده فاش ساخت که سازمان جاسوسی آمریکا تا اوایل دهه هفتاد حزب لیبرال-دموکرات ژاپن را از نظر مالی تامین می کرده است «تا اطلاعات مخفی مربوط به ژاپن را جمع آوری کند و کشور را به پایگاهی علیه کمونیسم تبدیل و جنبش چپ ژاپن را به تدریج از بین ببرد».

حزب لیبرال-دموکرات ژاپن که بعد از سی و هشت سال حاکمیت مداوم و مطلق، به دنبال فساد جنجال برانگیز، نتوانست در انتخابات سال ۱۹۹۲ پیروز شود، در ژوئن ۱۹۹۴ در ائتلاف بزرگی با سوسیال دموکراسی راست بار دیگر قوی ترین حزب پارلمان شد، مواضع حساس و کلیدی قدرت را بدست آورد.

اگر چه به «دلیل عدم وجود مدرک معتبر»، دبیر کل و رئیس دفتر حزب لیبرال - دموکرات این اتهامات را رد کرده اند. اما، گزارش نیویورک تایمز را نه تائید و نه تکذیب می کنند. امروزه قضیه ملاقات های سران «سیا» با رهبران این حزب کاملاً برملا شده است. آلفرد. س. اونر، که مسئول «سیا» در شرق دور، در سال های ۵۸-۱۹۵۵ بوده است در این رابطه توضیح می دهد که «ما این حزب را از نظر مالی تامین می کردیم و میزان اطلاعات ما دقیقاً به این حزب بستگی داشت».

همچنین یو. جانسون که از سال ۱۹۶۶ تا سال ۱۹۶۹ سفیر آمریکا در توکیو بوده است، اظهار می دارد: «اصل قضیه بدون شک برای من قابل قبول است... ما از نظر مالی حزبی را حمایت می کردیم که در طرف ما بود».

بعد از رفتن جانسون از ژاپن نیز حمایت مالی از این حزب همچنان ادامه داشت.

## سوئد

در ۱۲ نوامبر مردم سوئد در همه پرسی برای عضویت کشورشان در اتحادیه اروپا شرکت کردند. از مجموع آرا، ۵۲/۲ درصد مثبت، ۴۶/۹ درصد منفی و ۰/۹ درصد ممتنع بود.

رهبری سندیکاها کارفرمایی، صاحبان صنایع و سرمایه داری بزرگ در بخش صنایع و در بخش مالی و بانکی موافق عضویت و حزب چپ سوئد و حزب سبزها که در مجلس حضور دارند از مخالفین عضویت بودند.

سرمایه داران بزرگ از جمله پیتر راس بری، مدیر کنسرن «لوو» تهدید کرده بودند که در صورت عدم رای مثبت مردم اقدام به سرمایه گذاری در خارج از سوئد خواهند کرد و صنایع خود را به خارج منتقل خواهند نمود. همچنین وزیر سوسیال دموکرات برنامه بودجه نیز تهدید کرده بود در صورت عدم رای

## سند مهم اتحادیه های کارگری بریتانیا پیرامون مسئله حقوق بشر در ایران

ما اعضا کنندگان زیر بر این باوریم که بدون اجرای کامل منشور جهانی حقوق بشر در ایران، هیچگونه رفورم و اصلاحاتی در کشور ممکن نیست. پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در آینده مستقیماً به این اصل مهم وابسته است. ما حمایت کامل و همبستگی خود را با تمامی نیروهای دموکراتیک ایران که برای پایان دادن به سرکوب حقوق بشر و ایجاد یک سیستم واقعی پلورالیستی حکومتی که تامین کننده دموکراسی و عدالت اجتماعی باشد اعلام می داریم.

سرکوب، دستگیری، شکنجه و اعدام بوده است. استفاده از نیروی نظامی در برخورد با اعتراض های مردمی به تلفات بالای جانی در برخی از شهرهای ایران منجر گردیده است... افکار عمومی جهان بطور کلی و اتحادیه ها و سازمان های کارگری بالاخص، بشدت پیرامون ادامه این اوضاع در ایران نگران هستند. ما نمایندگان جنبش کارگری بریتانیا نگرانی شدید و اعتراض خود را پیرامون شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کنونی، سرکوب حقوق بشر و نفی حقوق صنفی خواهران و برادران ایرانی خود اعلام می داریم...

در پی دیدار و مذاکرات نمایندگان "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر)" با رهبران اتحادیه های کارگری بریتانیا، سند مهمی در دفاع از حقوق و آزادی های دموکراتیک در ایران تهیه و برای تأیید و نظر خواهی در اختیار کمیته های اجرایی اتحادیه های کارگری در سراسر بریتانیا قرار گرفت. در بیانیه مطبوعاتی که "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر)" در این زمینه منتشر کرد از جمله اعلام شد که تعداد قابل ملاحظه ای از کمیته های اجرایی این اتحادیه ها پس از بررسی این سند، آنرا به تصویب رسانده و به عنوان مواضع رسمی اتحادیه شان پیرامون اوضاع ایران پذیرفته اند (تعداد دیگری از اتحادیه های کارگری نیز هنوز مشغول بررسی این سند می باشند). این نخستین باری است که چنین طیف وسیعی از اتحادیه های کارگری یک کشور اروپایی متفقاً سند مهمی را پیرامون مسئله حقوق بشر و حقوق سندیکیایی در یک کشور رسماً در کمیته های اجرایی خود به تصویب می رسانند. بر اساس گزارش بیانیه مطبوعاتی "کمیته دفاع" اتحادیه های نامبرده، شامل بیش از دوسوم تمامی اتحادیه های اصلی کارگری در بریتانیا به نمایندگی از سوی بیش از ۴ میلیون کارگر این کشور می باشند. متن خلاصه شده ای از سند و اسامی اعضا کنندگان آن به قرار زیر است:

گزارش های رسیده در ماههای اخیر از ایران، حکایت از اعتراض های وسیع مردمی در شهرهای گوناگون می کند. از ماه ژوئن سال ۱۹۹۴ مردم ایران در شهرهای نجف آباد (ماه ژوئن)، قزوین (۳،۳ و ۵ ماه اوت)، تبریز و ارومیه (اواسط ماه اوت) و قائم شهر و گرگان (اواسط ماه اوت) علیه شرایط دشوار اجتماعی - اقتصادی به اعتراض برخاسته اند. افزون بر این تعدادی اعتصاب های کارگری از جمله اعتصاب کارگران حمل و نقل در شیراز (ماه آوریل)، اعتصاب ۱۳۰۰۰ نفری کارگران مجتمع کشاورزی کارون در جنوب ایران (ماه اوت) نیز گزارش شده است. تنها پاسخ رژیم به این اعتراض ها،

- اتحادیه کارمندان و کارگران بخش دولتی - عمومی (UNISON) - کمیته اجرایی اتحادیه کارگران بخش راه و ترابری - (TGWU) - بیل موریس (دبیر کل)
- اتحادیه صنفی نویسندگان بریتانیا - (Writers Guild of GB) - آلیسون گری
- اتحادیه کارمندان بخش های تولیدی، علوم و مالی - (MSF) - راجر لیونز (دبیر کل)
- اتحادیه کارگران بخش ساختمانی - (UCATT) - جرج برماول (دبیر کل)
- اتحادیه کارگران صنعت برق و کارگران لوله کش - (EPIU) - جان اتکین (دبیر کل)
- اتحادیه کارکنان بخش سینما، تئاتر و تفریحات - (BECTU) - راجر بولتن (دبیر کل)
- اتحادیه کارگران فروشگاهها و بخش توزیع - (USDAW) - گارفیلد دیویس (دبیر کل)
- اتحادیه های نانویان و کارگران صنایع غذایی - (BFAWU) - جو ماریو (دبیر کل)
- اتحادیه آتش نشانان - (FBU) - کن کمرون (دبیر کل)
- اتحادیه کارگران بخش ارتباطات - (UCW) - آلن جانسون (دبیر کل)
- اتحادیه کارگران بخش گرافیک، روزنامه ها و وسایل ارتباط جمعی - (GPMU) - تونی دابینز (دبیر کل)
- اتحادیه ملی کارکنان بخش عمومی - (NUCPS) - جو شلدون (دبیر کل)
- اتحادیه استادان مراکز آموزش عالی - (NATFHE) - جان آکر (دبیر کل)
- اتحادیه نوازندگان موسیقی - (Musician Union) - دنیس اسکارد (دبیر کل)
- اتحادیه رانندگان و متصدیان راه آهن - (ASLEF) - لویو آدامز (دبیر کل)

## ایده آل های انقلاب ...

کار تضمین شده و مطمئن متبلور شده بود. هر کسی که فکر می کند که زحمتکشان حاضر هستند که این تضمین ها را در مقابل مظاهر یک دموکراسی دروغین و مخدوش تعریف نشده و مبهم و سطحی عوض کنند، در دنیای بذر گویان بی مسئولیت زندگی می کنند.

نسل هایی که پس از انقلاب اکتبر متولد شدند هیچ گاه مجبور نبوده اند که با هرج و مرج و تسلط هوی و هوس که شهروندان کشورهای سرمایه داری در زندگی روزمره شان با آن اجباراً مواجه هستند، پسر ببرند. در جریان زمان آن ها از طریق تجربه خود به تفاوت دو سیستم پی خواهند برد و به همان اطمینانی که خورشید در شرق طلوع کرده و در غرب غروب می کند، آن ها نیز برخوانند خاست و همانند پدران و پدربزرگ هایشان که در سال های ۴۵-۱۹۴۱ جنگیدند که سیستم را نجات بدهند، آن ها نیز خواهند رژیم تا آن چه را که از دست داده اند دوباره بدست آورند. منطبق تجربه گذشته حکم می کند که در رستاخیز دوباره سیستم، تمامی اشتباهات و کج باوری ها اصلاح خواهند شد، سوسیالیسم از تمامی سستی هایی که آن را فلج کرده بود، از بوروکراسی خشک کننده امکانات و استعدادها بری خواهد بود و تضمین کننده تمامیت حقوق شهروندان جامعه مدرن عدالتجویانه خواهد بود. آری، سخن از مرگ انقلاب اکتبر بیهوده است. انقلاب هنوز پایان نیافته است. آن رشته قانونندی که با انقلاب اکتبر آغاز گردید هنوز در مسیر بغرغ و پر پیچ و خم تاریخ بشریت تداوم دارد. انقلاب اکتبر ادامه دارد.

ارزان، مراقبت های پزشکی رایگان، حقوق بازنشستگی و تامین اجتماعی از کهنواره تا کور را بعنوان یک حق مسلم خود می دانسته است رام و دست به سینه به رژیم غیر قانونی ارمانان اور بیکاری، عدم بهداشت، قیمت های کزاف روزانه در حال تصاعد، بیخاطمانی و غیره تسلیم خواهد شد و تبدیل خود را به دزدان، ولگردها و فاحشکان در «نظم جدید» قبول خواهد نمود؟ برخی ممکن است فکر کنند که می توان چنین خفتی را به نسل جوان کشورهای سوسیالیستی سابق تحمیل کرد. تحولات سه ساله اخیر، نتایج انتخابات در چندین کشور سوسیالیستی سابق و رشد روز افزون محبوبیت توده ای احزاب کمونیست و ترقیخواه خود بیانگر واقعیت دیگری می باشند. این درست است که در پروسه ساختمان سوسیالیسم اشتباهاتی صورت گرفته است، و حتی این نیز حقیقت دارد که ابعاد برخی از این اشتباهات و کوتاه نظری ها و جزم اندیشی ها مدتهاست بوده است، تا آن جا که در فروپاشی نظام حاکم بر این کشورها نقش تعیین کننده ایفا کرده است. ولی در دراز مدت قوانین تحولات اجتماعی قانونمندی خود را به منصف ظهور می رسانند و اهمیت ویژه انقلاب اکتبر در همین مطلب نهفته است. انقلاب اکتبر به کارگران و دهقانان مژه آزادی را چشانند، نه آن آزادی صوری که سر خود را با زدن بر دیوار سنگی استثمار سرمایه داری و فئودالی بشکنند، بلکه آزادی حقیقی که در دسترسی به سه وعده غذای کامل در روز، سرپناهی مطمئن، آموزش مجانی، مراقبت پزشکی رایگان و

## شکست بزرگ حزب ...

مردم به «دموکرات» ها به چشم حزب حامی کارگران و به جمهوریخواهان به چشم حزب حامی ثروتمندان نگاه کرده اند. اما امروز این وجه تمایز از میان رفته است و ۸۰ درصد مردم به این نتیجه رسیده اند که هیچیک از این دو حزب نماینده مردم زحمتکش نیستند. آنها ممکن است به جمهوریخواهان رأی داده باشند، اما این گردش به راست آنها به این خاطر بود که هیچ آلترناتیو چپی در برابر خود نمی دیدند. «ویلیام بیواتر»، رئیس «اتحادیه سراسری کارگران صنعت برق» آمریکا، می گوید: «کارگران به شدت از پرزیدنت کلینتون و نمایندگان حزب «دموکرات» در کنگره آمریکا عصبانی و ناامید هستند، زیرا این رهبران با تصویب قرارداد «نافتا» و خودداری از تصویب لایحه غیرقانونی کردن اتحادیه شکنی، همه اشتیاق کارگران را از آنان گرفتند». به گفته او، «به همین دلیل، پس از تصویب قرارداد «نافتا»، اتحادیه ما تصمیم گرفت که در این انتخابات، از دادن کمک مالی به هر کاندیدایی که به این قرارداد رأی مثبت داده است خودداری کند». وی در ادامه تأکید می کند: «اما در اینجا ما دو استثناء قابل شدید. ما به سناتور «راب» در ایالت ویرجینیا کمک مالی دادیم تا بتوانیم شکست «اولیور نورث» فاشیست را تضمین کنیم. همچنین، از سناتور «کندی» در ایالت ماساچوست حمایت کردیم چون سابقه خوبی در رأی دادن به نفع کارگران دارد. اما این کار اخیراً نیز تنها پس از اینکه با چانه زدن های بسیار، «کندی» را قانع کردیم که در صورت گنجاندن نشدن ماده مربوط به حقوق کارگران، با قرارداد «گات» مخالفت کند، انجام دادیم».

جالب اینجاست که هم «اولیور نورث»، برنامه ریز و مجری اصلی طرح «ایران گیت»، و هم رقیب دست راستی سناتور «کندی» در ایالت ماساچوست، که هر دو از کاندیداهای «ائتلاف مسیحی» بودند، در این انتخابات شکست خوردند. و این درحالی بود که بنیادگرایان «ائتلاف مسیحی»، بیش از ۱۸ میلیون دلار برای به پیروزی رساندن «اولیور نورث» در انتخابات سنا، خرج کرده بودند. به علاوه، در انتخابات اخیر، نمایندگان عضو «فراکسیون سباهیستان» کنگره آمریکا، که همواره مترقی ترین نیروی درون مجلس نمایندگان آمریکا را تشکیل داده اند، همگی بدون استثناء مجدداً به نمایندگی انتخاب شدند که این خود گویای درجه بی پایگی ادعای «جمهوریخواهان» در مورد وقوع یک «چرخش به راست» در افکار عمومی مردم آمریکاست.

## بحران در حزب «دموکرات»

اگر ابعاد عظیم این شکست انتخاباتی حزب «دموکرات» را بتوان ناشی از سیاست های راست روانه رهبران آن و شعله ور شدن خشم مردم نسبت به این حزب دانست، دور شدن تدریجی اکثریت مردم از حزب «دموکرات» در طول چند دهه اخیر، چیزی نیست که تنها با رجوع به این خشم مقطعی قابل توضیح باشد. علت اصلی این روند را باید بیش از هر چیز در ماهیت ویژه حزب «دموکرات» از یک سو، و بحران ساختاری سرمایه داری آمریکا از سوی دیگر، جستجو کرد.

برخلاف احزاب سیاسی در اروپا، که اغلب در امتداد صف بندی های طبقاتی شکل گرفته اند، دو حزب سیاسی آمریکا، یعنی «دموکرات» و «جمهوریخواه»، همواره مرزبندی های طبقاتی را نفی کرده اند و مدعی نمایندگی «همه مردم آمریکا» بوده اند. از نظر تاریخی، بورژوازی حاکم بر این کشور، همواره از تشکیل یک حزب سراسری مستقل کارگری جلوگیری کرده است و وظیفه دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان کشور را خود بر عهده گرفته است. به مرور زمان، که حزب «جمهوریخواه» به شکلی آشکار در کنترل بورژوازی بزرگ انحصاری قرار گرفت، این وظیفه به شکلی فزاینده بردوش حزب «دموکرات» افتاد و این حزب به تدریج خود را به عنوان نماینده سیاسی منافع طبقه کارگر و لایه های «میانی»، یا به زعم بورژوازی آمریکا «طبقه متوسط» جامعه به مردم معرفی کرد. در طول دهه های ۵۰-۱۹۴۰، به ویژه در دوران ریاست جمهوری «تئودور روزولت»، این حزب عامل اجرای یک سری رفرفرم های اجتماعی به نفع کارگران، از جمله بیمه های اجتماعی، حق بازنشستگی و غیره، نیز شد که این خود بر وجهه «کارگری» آن در میان توده های مردم به شدت افزود و باعث پیوستن بخش عظیمی از کارگران آمریکا به این حزب گردید.

اما، حزب «دموکرات» هیچگاه یک حزب کارگری نبوده و نیست. در حقیقت، ترکیب اعضای آن همواره حدود ۶۰ درصد کارگری و ۴۰ درصد بورژوازی — بورژوازی کوچک و متوسط، و بورژوازی بزرگ صنعتی — بوده است. سیاست این حزب نیز همیشه سیاسی التقاطی و مبتنی بر مصالحه میان گرایشات کارگری و بورژوازی درون آن بوده است.

در دهه های ۴۰، ۵۰ و ۶۰، که سرمایه داری آمریکا دوران رونق خود را طی می

کرد و بورژوازی آمریکا هم مایل و هم قادر بود که برای تحکیم موقعیت خود امتیازات معینی به جنبش کارگری بدهد، حزب «دموکرات» دوران رشد خود را می گذراند و توانسته بود با جلب حمایت کارگران، اکثریت را در مجلس نمایندگان و سنای آمریکا برای خود تضمین کند. اما با تشدید بحران سرمایه داری در سطح جهان و به ویژه آمریکا در دهه هفتاد، که از اولین نشانه های آن «بحران انرژی» بود، دوران «ماه عسل» میان گرایشات کارگری و بورژوازی در درون حزب «دموکرات» به پایان رسید و تضادهای درونی آن آغاز گردید. این تضادها با شدت یافتن بحران های اقتصادی تشدید شد و بالاخره تا آخر دهه ۷۰، عملاً حزب «دموکرات» را از نظر سیاسی فلج کرد. بورژوازی حاکم بر حزب دموکرات، که دیگر نه توان و نه تمایل دادن امتیازات بیشتر به کارگران را داشت، هرچه بیشتر به سمت راست چرخید و در سمت مقابل، کارگران و لایه های میانی درون حزب، که به شکلی فزاینده با سقوط سطح زندگی خود مواجه بودند، به فشارهای خود برای کشیدن حزب به چپ افزودند. در طول دهه ۸۰، این تضادهای درونی به صورت ارائه پلاتفرم های موازی از سوی جناح چپ و جناح راست حزب به کنگره های آن تبلور می یافت که تماماً با شکست پلاتفرم های چپ مواجه می شد. در راه در برابر حزب باقی مانده بود: یا حرکت به راست و تبدیل شدن به تقلیدی از حزب «جمهوریخواه»، یا حرکت به چپ و سپردن هژمونی به دست اکثریت کارگری حزب. تنها راه دوم می توانست حزب «دموکرات» را به عنوان یک آلترناتیو در برابر جمهوریخواهان مطرح کند و مجدداً از پشتیبانی اکثریت مردم برخوردار سازد.

اما، در تمامی طول دهه ۸۰ و سال های دهه ۹۰، بورژوازی حاکم بر حزب «دموکرات»، راه اول را در پیش گرفت و به شکلی فزاینده، کارگران و لایه های میانی جامعه را از خود دور کرد. در حقیقت، این بورژوازی حاکم بر حزب بود که حاضر شد صرفاً به خاطر حفظ هژمونی خود، هم حزب را به بحران بکشد و هم آن را در سه دوره انتخابات ریاست جمهوری، (دو دوره «رونالد ریگان» و یک دوره «جرج بوش») از پیروزی حتمی محروم سازد. تا سال ۱۹۹۲، یعنی انتخاب «کلینتون» به ریاست جمهوری آمریکا، حزب «دموکرات» به بدل مضحکی از حزب «جمهوریخواه» تبدیل شده بود که دیگر هیچکس آن را جدی نمی گرفت. روند ریزش در حزب شروع شده بود و زمره سازماندهی مستقل سیاسی و تشکیل یک حزب سوم در سطح جامعه، و به ویژه در جنبش کارگری، آغاز شده بود. پدیده «راس پرو» بر بطن چنین تضادهایی در آمریکا رشد کرد و موجودیت یافت.

در حقیقت، پیروزی «کلینتون» در انتخابات سال ۱۹۹۲، از طریق نفی این روند و تمهد او به ایجاد یک «تغییر جهت» اساسی در خط مشی حزب تضمین شد. او به توده های ناراضی مردم و به ویژه کارگران قول داد که حزب را در جهت منافع آنها به حرکت درآورد و اشتباهات گذشته را جبران کند. طرح های پیشنهادی او برای ملی کردن بهداشت، کاهش سطح بیکاری، جلوگیری از قطع بودجه بیمه های اجتماعی و ده ها تمهد دیگر، زحمتکشان آمریکا را قانع کرد که یک شانس دیگر به حزبی که به آنها پشت کرده بود بدهند. اما همانطور که عملکرد «کلینتون» در طول دو سال گذشته نشان داد، این نیز تنها سرایی بیش نبود.

رأی بی اعتمادی مردم آمریکا به حزب «دموکرات» در انتخابات اخیر، در حقیقت مهر پایانی بود بر سرایی که به مدت چهار سال، بورژوازی آمریکا در برابر چشمان کارگران و زحمتکشان این کشور تصویر کرده بود و با این وسیله آنها را از سازماندهی احزاب سیاسی مستقل خود باز داشته بود. در این انتخابات، «جمهوریخواهان» توانستند «دموکرات ها» را شکست دهند، اما توانستند بر مردم و طبقه کارگر آمریکا پیروز شوند. در این انتخابات، هشتاد درصد شهروندان آمریکا با خودداری از رأی دادن به «جمهوریخواهان»، هر دو جناح بورژوازی را به شکست رساندند.

امروز مردم آمریکا هرچه بیشتر درک کرده اند که تضادهای طبقاتی نظام سرمایه داری عمیق تر از آن است که حل و فصل آنها را بتوانند به احزاب بورژوازی کشور خود واگذار کنند. دور شدن هرچه بیشتر آنها از هر دو حزب رسمی کشور و رشد سریع حمایت آنان از کاندیداهای مستقل در این انتخابات، خود حاکی از این واقعیت است. برخلاف ادعای «جمهوریخواهان» شکست بزرگ حزب «دموکرات» در انتخابات ۸ نوامبر، نه نشانه وقوع یک «چرخش به راست» در افکار عمومی مردم آمریکا و نه نشانه «آغاز یک دوران جدید» در حیات سیاسی این کشور است. این شکست تنها به معنای ورشکستگی نظام دو حزبی بورژوازی در این کشور است. به گفته «راد راجرز»: مسئول روابط عمومی «اتحادیه کارگران نفت، پتروشیمی و صنایع اتمی آمریکا»: «انتخابات سه شنبه گذشته نتیجه مستقیم آن سیستم انتخاباتی است که در برابر رأی دهندگان تنها دو انتخاب حقیر قرار می دهد. ما به یک حزب سیاسی متکی به کارگران نیاز داریم».

## شکست بزرگ حزب «دموکرات» در انتخابات میان دوره ای آمریکا!

شهروندان، از رأی دادن خودداری نمودند. علت این امر نیز، همانطور که خود طبقه حاکمه آمریکا به آن اذعان دارد، بی اعتقادی مردم به نظام سیاسی این کشور، و به ویژه به محدودیت های تحمیل شده از سوی نظام دو حزبی است. به علاوه، نتایج شمارش مجموعه آراء نشان می دهد که در این انتخابات، ۵۲ درصد از کل رأی دهندگان به نمایندگان حزب «جمهوریخواه» و ۴۸ درصد به نمایندگان حزب «دموکرات» رأی داده اند. بدین ترتیب، آنچه که حزب «جمهوریخواه» آغاز یک «دوران نوین» می نامد، تنها با حمایت حدود ۲۰ درصد از کل شهروندان این کشور حاصل شده است. بر اساس برآورد آمارگران، در صورت شرکت همه شهروندان واجد حق رأی، نتیجه این انتخابات با نسبت ۴۸ درصد به ۴۵ درصد، به نفع حزب «دموکرات» تمام می شد.

نکته دیگری که باید بدان توجه کرد این واقعیت است که در کشور آمریکا، پیروزی در انتخابات به شکلی فزاینده مستلزم صرف میلیون ها دلار هزینه تبلیغاتی است و معمولاً کسانی در انتخابات پیروز می شوند که پول بیشتری را صرف تبلیغات انتخاباتی خود می کنند. امروز در این کشور، متوسط هزینه پیروزی در انتخابات مجلس سنا، برای هر کاندیدا، بیش از ۲۵ میلیون دلار است. در انتخابات اخیر، از ۳۵ کرسی مورد رأی گیری در مجلس سنا، ۲۹ کرسی نصیب کاندیداهایی شد که نسبت به رقیب خود پول بیشتری خرج کرده بودند. این کاندیداها اکثراً کسانی هستند که با مورد حمایت مستقیم سرمایه های بزرگ قرار دارند و یا از سوی جنبش رشد یابنده و از نظر مالی بسیار توانمند بنیادگرایان راستگرای مذهبی، که در انتخابات اخیر به شکل یک نیروی منسجم تحت نام «ائتلاف مسیحی» وارد صحنه سیاسی شد، حمایت می شوند. یازده تن از فرمانداران «جمهوریخواه» انتخاب شده در انتخابات ۸ نوامبر، کاندیداهای وابسته به این «ائتلاف مسیحی» بودند.

بنابراین، آنچه که «جمهوریخواهان» پیروزمند به آن «یک دوران جدید» لقب داده اند، چیزی جز شکل دراماتیک تر همان داستان همیشگی سلطه بی چون و چرای پول و سرمایه نیست. این انتخابات بار دیگر نشان داد که در کشور آمریکا، به قول یک ضرب المثلی عامیانه، پول تنها «سخن» نمی گوید بلکه «فریاد» می زند!

### انتخاب از روی خشم

پیروزی چشمگیر راستگرایان «جمهوریخواه» در انتخابات ۸ نوامبر، بیش از آنکه ناشی از یک «چرخش به راست» در افکار عمومی مردم آمریکا باشد، نتیجه وجود یک بحران عمیق در حزب «دموکرات» و گسترش ناراضی و سرخوردگی توده های وسیع مردم، به ویژه کارگران آمریکا، نسبت به سیاست های این حزب است. به عبارت دیگر، این انتخابات بیش از آنکه نشانه رأی اعتماد مردم به حزب «جمهوریخواه» باشد، بیانگر خشم آنها نسبت به «دموکرات» هایی است که به منافع آنها پشت کرده اند. به گفته یک مشاور انتخاباتی اتحادیه های کارگری آمریکا، «دموکرات ها این بلا را خودشان به سر خود آوردند... آنها کوشیدند مذبحخانه از جمهوریخواهان تقلید کنند و در این راه مفتضحانه شکست خوردند. آنها بیش از هر کس دیگر مسئول این واقعیت هستند که کمتر از ۴۰ درصد مردم به پای صندوق های رأی رفتند. طبیعی است وقتی مردم مجبور می شوند بین یک چیز واقعی و یک چیز تقلبی یکی را انتخاب کنند، آن چیز واقعی را انتخاب می کنند. به طور سنتی،

ادامه در ص ۷

عظیمی از ساختار سیاسی این کشور، به ویژه بر قوه مقننه که همواره از پایگاه های مهم قدرت سیاسی حزب «دموکرات» به شمار می رفت، تضمین کند. نمودار زیر ابعاد گسترده این شکست را به خوبی نشان می دهد:

تعداد نماینده های مجلس نمایندگان آمریکا قبل و بعد از انتخابات

مستقل	دموکرات	جمهوریخواه	
۱	۲۰۴	۲۳۰	بعد از انتخابات
۱	۲۵۶	۱۷۸	قبل از انتخابات

تعداد نماینده های سنای آمریکا قبل و بعد از انتخابات

مستقل	دموکرات	جمهوریخواه	
-	۴۷	۵۳	بعد از انتخابات
-	۵۶	۴۴	قبل از انتخابات

تعداد فرمانداران ایالت های آمریکا قبل و بعد از انتخابات\*

مستقل	دموکرات	جمهوریخواه	
۱	۱۷	۳۰	بعد از انتخابات
۱	۲۹	۲۰	قبل از انتخابات

\* نتایج انتخابات در دو ایالت هنوز اعلام نشده است.

جناح راست در این انتخابات به پیروزی بزرگ دیگری نیز دست یافت و آن به تصویب رساندن «طرح ۱۸۷» در ایالت کالیفرنیا، از طریق رجوع به آرای عمومی بود. بر اساس این طرح، ارائه کلیه خدمات دولتی، از جمله تحصیل، بهداشت و دیگر خدماتی که بودجه آن از طریق دولت ایالتی کالیفرنیا تأمین می شود، برای خارجیانی که به طور «غیرقانونی» در آمریکا بسر می برند قطع خواهد شد و مدارس، بیمارستان ها و دیگر نهادهای خدمات اجتماعی موظف می شوند خارجیان «غیرقانونی» را که به آنها مراجعه می کنند، برای بازگشت دادن به کشورشان، به اداره مهاجرت آمریکا معرفی کنند. «طرح ۱۸۷» به ویژه وضعیت مهاجران مکزیکی و دیگر شهروندان کشورهای آمریکای لاتین را که به منظور یافتن کار از طریق مرزهای جنوبی این کشور به آمریکا وارد می شوند و بخش قابل توجهی از جمعیت ایالت کالیفرنیا را تشکیل می دهند، به مخاطره می اندازد.

### آغاز یک «دوران جدید»؟

حزب «جمهوریخواه»، به عنوان نماینده رسمی سرمایه بزرگ و جناح راست حاکمیت، پیروزی اخیر خود در انتخابات را نشانه «آغاز یک دوران جدید» در زندگی سیاسی آمریکا قلمداد می کند و از «چرخش به راست» در افکار عمومی مردم این کشور سخن می گوید. اما نگاهی به واقعیت های اجتماعی حاکم، بی پایگی چنین ادعایی را اثبات می کند.

در وهله اول باید به این نکته توجه کرد که در این انتخابات، تنها ۳۹ درصد کسانی که حق رأی داشتند شرکت کردند و ۶۱ درصد، یعنی نزدیک به دو سوم

**کمک مالی رسیده:**

ناتاشا و آناشیتا ..... ۱۰۰ کرون  
مجید و مزدک ..... ۱۰۰ کرون

**NAMEH MARDOM: No:441**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 ,  
10566 Berlin, Germany

22 November 1994

شماره فاکس ما  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

نامه مردم